



درس آشنایی با مقدمات تفسیر استاد سید مجتبی نوره‌مفیدی

موضوع کلی: روش‌های تفسیری

موضوع جزئی: روش تفسیری علمی - ادله موافقین

سال: چهارم

تاریخ: ۱۵ دی ۱۳۹۳

مصادف با: ۱۳ ربیع‌الاول ۱۴۳۶

جلسه: ۹

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

بررسی ادله موافقین و مخالفین

مقدمه

موضوع بحث، بررسی صحت و سقم روش تفسیری علمی است، گفتیم منظور از علم که این روش به آن منسوب شده یا علوم تجربی است یا علوم انسانی جدید، یعنی قضایا و قوانینی که در دایره علوم تجربی قرار دارند یا قواعدی که در علوم انسانی جدید مثل جامعه‌شناسی، روانشناسی، اقتصاد، سیاست و امثال آن گنجانده می‌شود. همچنین عرض کردیم روش تفسیری علمی معانی متعددی دارد که عبارت بودند از: ۱- مفسر، نظریه علمی خود را بر قرآن تحمیل کند؛ ۲- مفسر، آیات قرآنی را بر طبیعت و اسرار طبیعت و قواعد علوم انسانی جدید تطبیق کند؛ ۳- از علوم تجربی و طبیعی و همچنین علوم انسانی جدید برای تفسیر آیات استفاده شود؛ به این معنا که این علوم را به استخدام تفسیر در آورد؛ ۴- بعضی از قواعد و قوانین علوم مورد نظر از قرآن استخراج شود.

حال با روشن شدن مطالبی که عرض کردیم وقتی به سراغ ادله موافقین و مخالفین روش تفسیری علمی می‌رویم، می‌بینیم ادله موافقین و مخالفین بعضاً حول محور و نقطه واحدی نیست، یعنی مثلاً یک دلیل از ادله مخالفین، ناظر به معنای اولی است که برای تفسیر علمی بیان شد؛ یعنی تحمیل نظریه‌های علمی بر قرآن را نفی می‌کند. اما در مقابل، دلیل دیگری که روش تفسیری علمی را اثبات می‌کند معنای سوم که استخدام علوم برای فهم آیات قرآن بود را مورد تأیید قرار می‌دهد. حال باید ادله موافقین و مخالفین را ذکر کنیم و ببینیم هر یک از این ادله ناظر به کدام یک از این چهارگانه مذکور است و این می‌تواند معیار خوبی برای ارزیابی ادله باشد.

اقوال

قبل از اینکه به ذکر ادله بپردازیم باید عرض کنیم که در این مقام سه نظریه وجود دارد:

نظریه اول: تأیید روش تفسیری علمی مطلقاً.

نظریه دوم: مخالفت و رد روش تفسیری علمی مطلقاً.

نظریه سوم: تفصیل در مسأله، البته تفصیلاتی که نسبت به روش تفسیری علمی ذکر شده متفاوت است؛ مثلاً ممکن است یک تفصیل، تفصیل بین علوم قطعی و غیر قطعی باشد یا تفصیل به این نحو باشد که بعضی از قواعد و قضایای علوم پذیرفته شود و غیر آن پذیرفته نشود.

وجود آیات متعدد و کثیر در قرآن که به مسائل و قضایای علمی پرداخته است، شاید حدود یک‌ششم از آیات قرآن مربوط به مسائل علمی باشد؛ مثلاً در قرآن درباره زیتون، انجیر، عسل، شراب، گوشت خوک و امثال آن سخن گفته شده که از نظر علمی خواصی برای بعضی از این امور (زیتون، انجیر و عسل) و مضراتی برای بعضی دیگر مثل گوشت خوک و شراب ذکر شده است چنانچه خداوند متعال درباره شراب می‌فرماید: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا»؛ در باره شراب و قمار از تو سؤال می‌کنند، بگو: «در آنها گناه و زیان بزرگی است و منافعی (از نظر مادی) برای مردم در بردارد (ولی) گناه آنها از نفعشان بیشتر است». حال ممکن است کسی بر اساس یافته‌های علمی و پزشکی برای تفسیر این آیه یک‌یک منافع و مضرات شراب را برای مردم ذکر کند، یعنی مجموعه مضراتی که برای مسکراتی مثل شراب وجود دارد را لیست کند و منافع آنها را هم بیان کند. در این صورت معنای این آیه روشن خواهد شد چرا که اگر انسان مضرات پنهان شراب را نداند شاید به اجتناب از آن اهتمام نورد، بلکه خود انسان بعضی مضرات مثل مستی و زوال عقل را درک می‌کند ولی مضرات دیگری که بر شراب مترتب است را نمی‌داند.

پس دلیل اول این است که با توجه به اینکه حداقل یک‌ششم از آیات قرآن مبتنی بر استفاده و استخدام علوم است لذا روش تفسیری علمی نه تنها مفید بلکه در بعضی موارد لازم است. پس این علوم و قواعد و قضایای مربوط به آنها دو فایده در بر دارد؛ یکی تبیین بهتر و درک روشن‌تر از بعضی از آیات که معنای ظاهری دارند ولی درک عمیق‌تر از آن آیات مربوط به استفاده از علوم است. فایده دوم این است که در بعضی موارد حتی اگر ما از این علوم استفاده نکنیم چه بسا درک معنای ظاهری آیه هم مشکل باشد. پس استفاده از علوم در تفسیر آیات در بعضی از موارد به وضوح بیشتر معانی آیات کمک می‌کند و در بعضی موارد باعث وضوح معنای آیه می‌شود.

نکته: دلیل اولی که ذکر شد ناظر به معنای استخدام علوم برای فهم آیات و تطبیق آیات بر طبیعت یا مناسبات انسانی است، یعنی این دلیل تحمیل نظریات علمی بر قرآن یا استخراج قوانین و قواعد علوم از قرآن را شامل نمی‌شود بلکه این دلیل (دلیل اول) یا ناظر به استخدام علوم برای فهم آیات است و یا ناظر به تطبیق علوم بر آیات قرآن می‌باشد.

بررسی دلیل اول

دلیل اول فی‌الجمله قابل قبول است ولی ابهاماتی دارد چرا که مشخص نیست این دلیل به نحو مطلق قواعد و قضایای علوم طبیعی و انسانی را در فهم آیات قرآن مؤثر می‌داند اعم از اینکه آن علوم قطعی باشند یا قطعی نباشند [یعنی آیا علوم ظنی تجربی هم به فهم آیات کمک می‌کند یا نه؟] یا فقط علوم قطعی را شامل می‌شود؛ یعنی فقط علوم در فهم آیات قرآن تأثیر دارد که قطعی باشند؟ همانطور که مشاهده می‌شود یک روز می‌گویند فلان چیز ضرر دارد و روز دیگر می‌گویند دارای فایده است، خیلی از مسائلی که کشف شده هنوز قطعی نشده و البته خیلی از علوم و تحقیقات در خدمت مطامع شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی قرار گرفته است، مثلاً برای تبلیغ یک محصولی می‌گویند این محصول این فواید را دارد و در مقابل آن فلان محصول خطرات و مضرات زیادی دارد. بنابراین ممکن است در تطبیق علوم بر قرآن این انگیزه‌ها هم دخیل باشد، یعنی برای

اینکه فلان چیز در بین مردم جایگاهی پیدا کند آن را منطبق بر قرآن می‌کنند و می‌گویند که قرآن هم این را تأیید می‌کند. بنابراین ما نمی‌توانیم از یک فرضیه‌ای که مطرح شده و تبدیل به قانون نشده برای فهم آیات کمک گرفت.

دلیل دوم

با روش تفسیری علمی می‌توان اعجاز قرآن را اثبات کرد چون قرآن که چهارده قرن پیش نازل شده متضمن مطالبی است که در آن زمان قطعاً دانش بشر به آنها نرسیده بوده و اکنون بعد از سالهای زیاد به مرور بعضی از آنها کشف می‌شود لذا با توجه به اینکه در زمانهای گذشته عقول بشر نمی‌توانستند خیلی از مطالب قرآن را بفهمند و قرآن آن را بیان کرده بود خود دلیل بر تأیید روش تفسیری علمی می‌باشد پس با این روش تفسیری می‌توان اثبات کرد که قرآن یک معجزه الهی است و ساخته و پرداخته ذهن بشر نیست. این دلیل یعنی اثبات اعجاز علمی قرآن با تمامی معانی روش تفسیری علمی، یعنی تحمیل، تطبیق، استخراج و استخراج سازگار است ولی این دلیل همه این معانی را تأیید نمی‌کند، چون مسلم است که تحمیل درست نیست و تطبیق و استخراج هم باید در آن محدوده‌ای که ممکن است صورت گیرد و در استخراج هم باید علوم و قضایای قطعی از آیات قرآن استخراج شود نه اینکه حتی یک مطلبی که با ظاهر آیات سازگار نیست را بخواهیم از آیات استفاده کنیم.

بررسی دلیل دوم

این دلیل هم فی‌الجمله قابل قبول است؛ به این معنی که بعضی از امور مثل مضرات و منافع شراب در عصر نزول قرآن برای مردم روشن نبوده لکن الآن با پیشرفت بشر در علم و دانش، روشن و معلوم شده است. همچنین زوجیت گیاهان (نر و مادگی گیاهان)، لقاح ابرها و امثال آن هم از مواردی است که بعداً و در قرون متأخره دانش بشری آن را کشف کرده است در حالی که در قرآن به آن اشاره شده است. لذا این دلیل هم فی‌الجمله قابل قبول است لکن باید توجه کرد که برای اثبات اعجاز علمی قرآن نمی‌توان به هر مطلبی تمسک کرد چرا که گاهی از حد معمول خودش فراتر می‌رود و بعضی در صددند برای هر چیزی که بشر کشف می‌کند معادلی در قرآن پیدا کنند در حالی که اثبات چنین چیزی مشکل است و در دایره تحمیل علوم بر قرآن قرار می‌گیرد که قابل قبول نیست چون ممکن است به تأویل و تفسیر به رأی منجر شود که مردود است.

بحث جلسه آینده: ان شاء الله بقیه ادله‌ای را که بر اثبات روش تفسیری علمی اقامه شده در جلسه آینده ذکر و بررسی خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»